

تحلیل فرزندنامه‌سرایی بر اساس نظریه اخلاق غمخواری نل نادینگز

آسیه ذبیح‌نیا عمران

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

سال شانزدهم، شماره دهم، دی ۱۴۰۲، شماره پی در پی ۹۲، صص ۱۶۵-۱۴۷

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.10.7157

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: نل نادینگز، فیلسوف تعلیم و تربیت امریکایی، محور تربیت اخلاقی را انسان‌میداند و اعتقاد دارد که شخص در غمخواری در حالتی از رنج و اضطراب قرار می‌گیرد؛ این حالت او را بیدار می‌سازد تا از خود فراتر برود؛ بر اثر همین بیداری است که نیازهای دیگران را مانند نیازهای خود می‌داند و در جهت رفع آن کوشش می‌کند تا جایی که نیاز دیگری را بر خود فرض می‌داند. شاعران منظومه‌های غنایی، سخنان حکمت‌آمیز خود را به شکل اندرز به فرزند، که غالباً کوتاه و موجز ولی دارای مفاهیم اخلاقی والایی بودند، در متن منظومه‌های عاشقانه ارائه می‌کردند. اصلیت‌ترین علت و انگیزه سرودن فرزندنامه اندرزی در منظومه عاشقانه، نتیجه‌گیری از داستانه‌ها و تنبه و عبرت است. هم از دید نل نادینگز و هم در فرزندنامه‌ها بر روابط انسانی تأکید شده است؛ زیرا اخلاق در ارتباط با دیگران ساخته می‌شود و معنا پیدا می‌کند. هدف این پژوهش تحلیل فرزندنامه‌سرایی بر اساس نظریه اخلاق غمخواری نل نادینگز است.

روش مطالعه: مقاله حاضر به روش توصیفی و مبتنی بر تحلیل محتوا و روش گردآوری اطلاعات و اسناد کتابخانه‌ای انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها فیشبرداری است که به سنجش فیشبرداری می‌پردازد.

یافته‌ها: برخی ابیات فرزندنامه‌های منظومه‌های غنایی با مصادیق و مبانی نظری و مفاهیم اخلاقی مراقبت و غمخواری و نظریه‌های تربیتی از دیدگاه نظریه غمخواری نادینگز مطابقت دارد. فرزندنامه‌ها، نامه‌های خصوصی در بطن متن منظومه‌های غنایی هستند که در عین پیوستگی با متن، معنای مستقلی دارند. این فرزندنامه‌ها جای خاصی در متن منظومه غنایی ندارند، گاهی در بخش آغازین و گاهی در ختام اشعار آمده‌اند.

نتیجه‌گیری: دلمشغولی عاطفی برای دیگران و غمخواری برای عامه مردم در فرزندنامه‌ها نمود گسترده‌ای دارد. توجه به ارزشهای انسانی از اهم رویکرد شاعران در اخلاق ارتباطی است.

تاریخ دریافت: ۱۶ دی ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۲۳ بهمن ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۰۵ اسفند ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۰ فروردین ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

فرزندنامه‌سرایی، نل نادینگز، تعلیم و تربیت، مراقبت، غمخواری.

* نویسنده مسئول:

zabihnia@pnu.ac.ir

۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ (۰۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Letters to Children Based on Nel Noddings' Theory of Care Ethics

A. Zabihnia Omran

Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University. Tehran. Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 06 January 2023
Reviewed: 12 February 2023
Revised: 24 February 2023
Accepted: 09 April 2023

KEYWORDS

Letters to children, Nel Noddings,
Education, Care, Compassion.

*Corresponding Author

✉ zabihnia@pnu.ac.ir

☎ (+98 21) 23320000

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Nell Noddings an American philosopher of education, considers the human being to be the center of moral education and believes that a person who feels compassionate, will be in state of discomfort and anxiety. This state awakens him/her to go beyond self. It is due to this awakening that the person considers the needs of others as his/her own needs and tries to satisfy them insofar as he/she considers himself as responsible for others' needs. The poets of lyric poems presented their wise words in the form of teaching children, which were often short but with high moral concepts, in the text of romantic poems. The main reason and motivation for writing educational children's letters in the romantic system is to draw conclusions from stories, awakening and lessons. Both from Nell Noddings' point of view and in the children's letters, emphasis is placed on human relationships, because morals are made in relation to others and gain meaning.

METHODOLOGY: The present study is descriptive-analytical, using data collection and library documents through note-taking and evaluating the notes.

FINDINGS: The findings show that some verses of the letters to children in the lyrical poems are consistent with examples and theoretical bases and concepts of the ethics of care and compassion and educational theories from the point of view of Noddings' theory of care ethics. Letters to children are private letters in the heart of the text of lyrical poems, which have independent meanings while being connected to the text. These letters do not have a specific place in the text of the lyric poem; sometimes they appear in the beginning and sometimes at the end of the poem.

CONCLUSION: Emotional preoccupation with others and compassion for the general public have a wide expression in letters to children. Paying attention to human values is one of the most important approaches of poets in communication ethics.

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.10.7157](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.10.7157)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 41	 0	 0

مقدمه

ادبیات منظوم فارسی، با آموزش و تعلیم و تربیت پیوند عمیق دارد و شاعران موضوعات اندرزی متعددی را با لطایف ادبی درآمیخته‌اند و در اشعارشان منعکس کرده‌اند. نظریه اخلاق غمخواری یکی از دیدگاه‌های نو در تربیت اخلاقی معاصر است که از منظر روانشناسی قابل تأمل و درخور توجه است. در فرزندنامه‌های فارسی «میتوان مفاهیم و مسائل بسیاری یافت که شاخه‌های مختلف علوم انسانی از جمله فلسفه و روانشناسی متأثر از آن است» (میدانی و بخشایش، ۱۳۹۱: ۱۹۰)؛ زیرا «زمینه‌های معنایی بسیاری از متون ادب فارسی را آموزه‌های تعلیمی رقم می‌زند» (بصیری و امجدی، ۱۳۹۱: ۷۰). «محتوای آثار هنری و ادبی هر هنرمند و ادیبی از خصوصیات درونی و ویژگی‌های روانی او جدا نیست، آثار هر شاعری را میتوان از منظور روانشناسی بررسی کرد» (زرنکوب، ۱۳۶۲: ۷۶). امروزه علومی چون فلسفه، مدیریت، جامعه‌شناسی، روانشناسی، و ادبیات با مباحث تعلیم و تربیت مرتبط شده و یکی از بهترین آثار برای بررسی مشکلات اجتماعی و تحلیل الگوهای تربیتی متون ادبی است. فرزندنامه‌ها، اندرزنانه‌های منظومه‌های غنایی هستند که بر حکم و پند و دستورهای اخلاقی و گاه حکومتی مشتمل میشوند. شاعران زبان فارسی سخنان حکمت‌آمیز خود را به شکل اندرز، که غالباً کوتاه و موجز ولی دارای مفاهیم اخلاقی والایی بودند، در متن منظومه‌های عاشقانه ارائه میکردند. اصلترین علت و انگیزه انعکاس مضامین اندرزی در ادبیات غنایی، نتیجه‌گیری از داستانها و تنبیه و عبرت است. این مقاله از جمله پژوهشهای میان‌رشته‌ای در حوزه مطالعات علوم انسانی است که با روش توصیفی-تحلیلی میکوشد در بطن مباحث به این سؤال اصلی پاسخ دهد که کدام مؤلفه اخلاقی غمخواری در فرزندنامه‌ها با نظریه اخلاق غمخواری نادینگز همسانی دارد؟

سابقه پژوهش

تا کنون نظریه تربیتی نل نادینگز در متون ادبی کار نشده، اما برخی آثار منتشرشده در زمینه دیدگاه نل نادینگز، به ترتیب سال نشر، عبارت است از: موحّد، باقری و سلحشوری (۱۳۸۷) مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی دیدگاه‌های امام محمد غزالی و نل نادینگز درباره تربیت اخلاقی» را در نشریه اندیشه دینی چاپ کردند. در این مقاله آمده است که مبانی فلسفی تربیت اخلاقی در دیدگاه نادینگز، عاطفه‌گرایی، هستی‌گرایی، پدیدارشناسی و فمینیسم است؛ اما مبانی فلسفی دیدگاه غزالی در تربیت اخلاقی، متأثر از قرآن، فلاسفه اسلامی و یونانی است. سرشار (۱۳۸۹) مقاله‌ای با عنوان «رویکردی زنانه به اخلاق آموزشی (نل نادینگز و نظریه غمخواری)» را در مجله زن و فرهنگ منتشر کرد. بر اساس دستاورد تحقیق، مبنای اصلی تربیت اخلاقی در اخلاق غمخواری، این است که انسان بطور طبیعی تمایل دارد مورد غمخواری قرار بگیرد. غمخواری، احترام به دامنه وسیعی از استعدادهای بشر را به اثبات میرساند. حاتمی و غفاری (۱۳۹۳) مقاله‌ای با عنوان «بررسی انتقادی اخلاق ارتباطی نادینگز با تأکید بر دیدگاه جوادی آملی در کتاب مفاتیح الحیات» را در فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی منتشر کردند. نتایج حاکی از آن است که برغم نقاط مثبت دیدگاه نادینگز مانند تأکید بر عنصر عاطفه، برقراری ارتباط دوطرفه که نیازمند درک متقابل است و دیدن دنیا از دید شخص دلمشغول از نظر نادیده گرفتن منابع خارجی تقدس، تأکید بیش از حد بر عنصر عاطفه و روابط رو در رو و نادیده گرفتن عقل، جنسیت‌گرایی، نسبیت‌گرایی و قائل بودن به شرّ در جهان دیدگاه جامعی نیست و لذا از دیدگاه دینی قابل نقد است. خاوری، اسدی خضرلو و توللی امجد (۱۳۹۶) مقاله‌ای با عنوان «اخلاق غمخواری از دیدگاه نل نادینگز، در فرایند تعلیم و تربیت» در اولین همایش ملی علوم اجتماعی، علوم تربیتی، روانشناسی و امنیت اجتماعی ارائه کردند. این مقاله نخست، غمخواری را از دیدگاه فیلسوفان و صاحب‌نظران تعریف میکند و به تأثیر اخلاق غمخواری در فرایند تعلیم

و تربیت میپردازد. سپس به بیان نقش سازنده معلم غمخوار پرداخته و بخشی از مباحث را به ذکر بعضی از خصوصیات معلمان غمخوار اختصاص داده است.

تا کنون فرزندنامه‌سرایی در منظومه‌های غنایی کار نشده، اما برخی از آثار منتشرشده درباره‌ی اندرز به فرزند عبارت است از: عنصرالمعالی فرزند خود «گیلان‌شاه» را در یک مقدمه و چهل و چهار باب در مسائل دینی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، علمی و فنی و تجارب عملی اندرز میدهد (قابوسنامه: ۶۵). اخوینی، هدایه‌المتعلمین را به درخواست فرزندش نوشت و او را به علم‌آموزی ترغیب میکند (هدایه‌المتعلمین: ۱۷). امام محمد غزالی، رساله «ایها الولد» را در پاسخ به پرسشهای یکی از شاگردانش که غزالی او را در این رساله «فرزند» خطاب میکند، نگاشته است. غزالی در سه و پنجاهی اخلاقی و عرفانی مشحون با کلام وحی را در متن این رساله اندرز به او ارزانی میدارد (ایها الولد: ۴۲-۴۶). قائم مقام در منشآت، نامه‌هایی به فرزند خود «رضاقلی» نوشته است (منشآت: ۲۹). طالبوف در کتاب/ احمد یا سفینه طالبی، خانواده‌ای را به تصویر میکشد که در آن چهار فرزند تحت سرپرستی پدر که همان راوی کتاب است زندگی میکنند. فرزند ارشد خانواده، محمود است؛ اما قهرمان اصلی این کتاب احمد پسر هفت‌ساله خانواده است که در سن ورود به مکتب قرار دارد؛ اما پدر با ناشایسته دانستن معلمهای مکتب، قصد ندارد تا سه سال دیگر، احمد را به مکتبخانه بفرستد. این کتاب در هجده صحبت نگاشته شده است که در هر صحبت، احمد سؤالات خود را از پدر در زمینه‌های گوناگون علمی میپرسد و پدر ضمن پاسخگویی به این سؤالات، در هر جایی که فرصت مییابد، از عقب‌ماندگی ایران نسبت به سایر ملل شکایت میکند و مسائل انتقادی مورد نظر خود را مطرح میکند. این کتاب متأثر از «امیل» روسو است که طالبوف قصد داشته «احمد مشرقی و امیل مغربی را تطبیق نماید» (کتاب احمد: ۴۶). ایرج میرزا بخشی از نوشته‌های خود را به پند و اندرز به فرزندش «خسرو» اختصاص میدهد (دیوان ایرج میرزا: ۴۵). شریعتی در «نامه‌ای به پسر» به پسرش «حسان» اندرز میدهد (شریعتی، ۱۳۵۸). نامه‌ناتل خانلری خطاب به پسر سه‌ساله خود «آرمان»، پاسخ به سؤالی است که این فرزند قرار است در آینده از پدر بپرسد: چرا مرا به خارج از ایران نفرستادی؟ نامه مزبور ابتدا در مجله سخن و سپس با حذف بخشهایی، در کتاب فارسی دبیرستان انتشار یافت و علاوه بر آنکه برای دانش‌آموزانی که آن را میخواندند، سرمشق درست‌نویسی بود، به آنان درس وطن‌دوستی نیز می‌آموخت (ناتل خانلری، ۱۳۹۲: ۳۳۲-۳۳۵). امید آفتابی من، کتابی شامل نامه‌های احمد شاملو به کوچکترین پسرش (سامان) است؛ نامه‌هایی که برای نخستین بار تصویر شاملوی پدر را پیش روی مخاطبانش قرار میدهد (شاملو، ۱۳۹۴). نامه‌های به‌آذین (۱۲۹۳-۱۳۸۵) به پسر خود «زردشت» که با عنوان «نامه‌هایی به پسر» منتشر شد. در این نامه بیشتر آداب و رسوم اجتماعی، الگوی نویسنده است (اعتمادزاده، ۱۳۸۲: ۵۶-۱). اسلامی ندوشن در «نامه به فرزندان» به پسرانش «رامین و مهران» اندرز میدهد (اسلامی ندوشن، ۱۳۹۴). جلیلی جشن‌آبادی در سال ۱۳۹۸ مقاله‌ای با عنوان «وصایای وفا؛ فرزندنامه‌ای ناشناخته متعلق به دوره قاجار» را در نسخه‌شناسی نظم و نثر منتشر کرد. نتیجه این پژوهش نشان میدهد که وصایای وفا مناسب با اقتضای حال فرزندش است و نویسنده با آگاهی از مقوله مخاطب‌شناسی و بهره از شگردهایی چون انتقال تجربه، تشبیه، توصیف و لحنهای مناسب با مقام سخن، کوشیده است در فرزندش تأثیر بگذارد.

بحث و بررسی

نل نادینگز و نظریه اخلاق غمخواری

نل نادینگز^۱ متولد ژانویه ۱۹۲۹ میلادی و استاد فلسفه در حوزه تعلیم و تربیت، روانشناسی و علوم اجتماعی است

1. Nel Noddings

که به سبب دیدگاههایی که در زمینه فلسفه آموزشی و اخلاق مراقبت منتشر کرد، به چهره‌ای شناخته‌شده مبدل گشت. او پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد در ریاضیات، دکترای خود را در فلسفه آموزشی از دانشگاه استنفورد دریافت کرد. در بین سالهای ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۲ معلم ریاضی مقطع ابتدایی و دبیرستان بود و در همین زمان، فرصت تحقیق و پژوهش در مورد تدریس ریاضی و بطور کلی آموزش را به دست آورد. او گستره تحقیقات خود را افزایش داد و موفق شد همزمان با اخذ دکترا در دانشگاه، بیشتر روی فلسفه و نظریه‌های آموزشی و روانشناسی کار کند. پس از دکترا، به تدریس در دانشگاه استنفورد مبادرت کرد و کرسی تعلیم و تربیت را تا زمان بازنشستگی در سال ۱۹۹۸ حفظ کرد. نادینگز چهارده کتاب و حدود دویست مقاله تألیف و منتشر نمود (نادینگز، ۱۳۹۴: پشت جلد کتاب). نادینگز بر این باور است که تمام انسانها بطور ذاتی نیاز به مراقبت دارند، یعنی هم به مراقبت کردن هم به مراقبت شدن نیازمندند. وی به جای کلمه «همدلی»^۱ از واژه «شفقت»^۲ استفاده کرد. مراحل رسیدن و اعمال شفقت، نیاز به طی مراحل دارد؛ یعنی در مرحله اول فرد مراقبت‌کننده به طرف مراقبت‌شونده، توجه نشان میدهد. این توجه منجر به جایگزینی انگیزشی^۳ یا به عبارت دیگر «خود را جای او گذاشتن» شده و در نتیجه سبب اقدامی برای رفع نیاز مراقبت‌شونده میشود. در نظریه اخلاق غمخواری نادینگز «در این مسلک، رفتار اخلاقی هر انسانی مبتنی بر حس همدردی و همدلی است تا بواسطه آن انسان در لذت و الم و شادی و غم دیگران شرکت میکند. به عبارت دیگر، طبق این دیدگاه، اخلاقی بودن یعنی مطابق حس همدردی رفتار کردن» (غفاری، ۱۳۸۵: ۱۵۴).

بررسی اصول و مبانی غمخواری در فرزندنامه‌های منظومه‌های غنایی از دیدگاه نل نادینگز

ارتباط متقابل: در ارتباط متقابل، شخص غمخور، دیگران را نه بعنوان یک فرد، بلکه بعنوان جزو وجودی یا بُعدی از خودش میپذیرد (نادینگز، ۲۰۰۲: ۱۷). امیر خسرو در منظومه مجنون و لیلی در صدوپنجاه و هفت بیت، به پسرش «خضر» توصیه میکند که تکخوری نکند و درویش‌نواز باشد:

ز آن مایه که افتد به دامن	تنها	نخوری	چو	ناتمامان
چون آمده گر یکیست ور هفت	بدهی	ندهی	بخواهد	رفت
باری کم از آنک از تو چندی	آسوده	شود	نیازمندی	
چون مرد به گرد مردمی گرد	نی	همچو	بخیل	ناجوانمرد
سرمایه مردمی مکن گم	کز	مردمیست	نور	مردم
گرچه زرت از عدد بود بیش	درویش‌نواز	باش	و	درویش

(مجنون و لیلی: ۵۳)

امیرخسرو دهلوی پنج پسر به نامهای محمد، مسعود، خضر، مبارک و حاجی، و دو دختر به نام میمونه و عفیفه داشت که دو فرزندش محمد و حاجی در روزگار زندگی شاعر درگذشتند. او در اغلب منظومه‌های غنایی میکوشد با فرزندنامه‌سرایی به پند و اندرز فرزندان خود بپردازد. فرزندنامه‌های امیرخسرو مفصل هستند و در حکم تدبیر منزل و سیاست مثنی به شمار میروند.

1. Care Approach

2. empathy

3. sympathy

4. Motivational displacement

غمخواری اخلاقی: طبق نظر نادینگز، مبنای اصلی تربیت اخلاقی در اخلاق غمخواری این است که انسان تمایل دارد مورد غمخواری قرار بگیرد (نادینگز، ۲۰۰۲: ۲۹). زمانی که فرد احساس میکند در پاسخ دیگران «باید» کاری انجام دهد، اگر این پاسخ از روی میل، رغبت و علاقه باشد، این رابطه یا این نوع برخورد را غمخواری مینامند (حسن، ۲۰۰۸: ۱۶۲). میرحسین میبیدی، عارف، ادیب و شاعر قرن نهم هجری است که «دو رساله» عرفانی را که حکم وصیتنامه دارند، خطاب به پسرش نوشته است. سفارش میبیدی به فرزندش این است که رحمت بر خلق، رحمت خالق را به دنبال می‌آورد:

گر کنی رحم بر صغیر و کبیر بر تو رحم آورد خدای بصیر
(دو رساله میبیدی: ۴۰)

امیرخسرو به پسرش (خضر) اندرز میدهد:

نیکی کن و گر بدی سگالی از حسن نیت مباش خالی
گر بنشانی درختی از خار آن خار نشان که گل دهد بار
نشر که به زخم خون‌فشانست از بهر صلاح ناتوانست
آزار مجو چو سینه سوزی کازرده شوی تو نیز روزی
(مجنون و لیلی: ۵۶)

جامی به فرزندش سفارش میکند که کار نیک به سوی صاحبش بازمیگردد:

چو آیین نکوکاری کنی ساز نگردد با تو جز آن نیکویی باز
(بهارستان جامی: ۴۳)

خوداخلاقی: نادینگز معتقد است در غمخواری، تکانه‌ای را برای انجام دادن کاری به سود دیگران میپذیریم و در دیگران فنا میشویم. در این حالت، احساس درد و شادی دیگران را درک میکنیم، اما مجبور نیستیم این تکانه را بپذیریم و حق انتخاب داریم؛ یعنی ممکن است آنچه را که احساس میکنیم، رد کنیم یا بپذیریم. اگر افراد دارای میل شدید به اخلاق باشند آن احساس را رد نمیکنند و این میل ناشی از «خوداخلاقی» است (نادینگز، ۱۹۸۴: ۵). امیرخسرو در منظومه *دولرانی و خضرخان*، در ۲۲۴ بیت زبان به نصیحت فرزند خود «مبارک» میگشاید و او را به فضایل اخلاقی دعوت میکند. این فرزندنامه، مفصلترین شعر اندرزی در متن منظومه‌های عاشقانه فارسی در خطاب به فرزند است که بتنهایی در حکم کتابی اندرزی مستقل، قابل بحث و بررسی است. امیرخسرو به پسرش توصیه میکند که با کوشش، بستگان را رهایی دهد و مرهم خستگان باشد، در زندگی نرمخویی پیشه سازد، بالاد باشد و با افراد بدخوی مدارا کند.

رهایی ده به کوشش بسته‌ای را به مرهم پرورش کن خسته‌ای را ...
چو آبی باش لطف از حد فرونش همه راحت ز بیرون و درونش...
ادب شرط است اگر فرزند شوخ است سگ دیوانه را دارو کلوخ است...
مکن بدخوی را با خویش گستاخ ستور بد کفش ریزی، زند شاخ
(دولرانی و خضرخان: ۲۹۲)

امیرخسرو به فرزندش توصیه میکند که نبات شکرین از زهر بشناسد، به دنیا نبندد، دلی صاف چون آینه داشته باشد، در حق دیگران خواب پریشان نبیند، اگر کسی جور و ستمی ناخواسته بر او کرد، ببخشد، به دیگران آسیب و گزند نرساند، صلح‌طلب باشد.

چو جان خواهی همیشه زندگانی
و صیت اینست کاندر گلشن دهر
به جان دوز اینهمه پیوند جانی
نبات شکرین بشناسی از زهر...
مبین خواب پریشان در حق کس
کثر نیز از پریشانی دهد بس...
کسی کو را به رزق و قلب یاریست
چو آب قلبکاران قلبکاریست
به خواب آنکو دهد وامی به انباز
در آئینه تو اندر یافتن باز
ور از کس بر تو جوری رفت بی خواست
چو قصدی نیست از آن بریادیت خاست
کسی کت بشکند از سنگ دندان
تو از لبها برو دُر بار خندان
همی خور سنگ و سنگ خود نگه دار
که اینجاها شود گوهر پدیدار
بهر دامن که درخواهی زدن چنگ
متاع صلح جو نه مایه جنگ
(همان: ۲۹۳)

بنا بر گفته نادینگز، ما در این جهان متولد شده‌ایم و به زندگی اجتماعی رهنمون می‌شویم. رویکردی که در پیش می‌گیریم باید جنبه‌های ارتباطی واقعیت را تقویت کند و آن را در جهتی ایجاد کنیم که بهترین لحظات غمخواری و مورد غمخواری قرار گرفتن را بیان کند. یک نظریه اجتماعی واقعگرا باید بررسی کند که چگونه غمخواری افراد میتواند پرورش یابد؟ و در جهان ناکامل، تربیت شود که میتوانیم از طریق آموزش به فرزندانمان به این امر مهم دست یابیم. لازم است در تعاملات و قضاوت‌های انسان، چیزهای بیشتری به جای گذاشته شود (نادینگز، ۱۹۸۴: ۵۰). در ابیات زیر، امیر خسرو از پسرش می‌خواهد هواپرستی را ترک گوید و از شهوت بگریزد و اهل دانش باشد. به رسم عاقلان بگذار تن را مکن خدمت هوای خویشتن را ز شهوتها که بر کارست مستی عنان بادپا گرد آر رستی.. ز دانش کن لباسی تن که زیب است نسج و پرنیان ابله‌فریب است (دولرانی و خضرخان: ۳۰۰)

زمانی که طبق روابط غمخواری اصیل و ناب رفتار می‌کنیم، تصویری از خودمان می‌سازیم که ناقص است و فقط در حدی است که خودمان را بعنوان یک فرد غمخوار درک می‌کنیم. زمانی این تصویر کامل میشود که پاسخهایی را از فرد مورد غمخواری دریافت کنیم. البته به طریقی هم عمل می‌کنیم که مورد غمخواری قرار بگیریم. طبق نظر نادینگز، «ایده‌آل اخلاقی، تصور خودمان بعنوان یک فرد غمخوار است، این تصور ما را هدایت میکند تا تلاش کنیم با دیگران اخلاقی برخورد کنیم» (موحد، باقری و سلحشور، ۱۳۸۷: ۴۷). امیر خسرو از پسرش می‌خواهد پاکی پیشه کند و از رزق حلال بخورد و از مال حرام دوری گزیند:

و گر یک ماهی پاکست در شست
به از ده ماهی ناپاک در دست...
بود درخورد همت کام هر کس
نخواهد کام شاهین قوت کرکس
غلیواژ است نی باز آنکه هر بار
کند از جانور رغبت به مُردار
حلالی‌خور ز خون خود کند دانگ
حرامی را زِرِ گلگون به گلبانگ
(دولرانی و خضرخان: ۲۹۶)

که قانع باشد و به بیچارگان ببخشد و سرمایه‌اش را به دست دغابازان نسپارد:

قناعت را به فلسی کیسه بردوز
به پر جستن مشو دل را بدآموز...
بده سیم و درم بیمایگان را
نه نزل و هدیه عالی‌پایگان را

مده سرمایه بر دست دغاباز می‌پرو سفله را در نعمت و ناز
(همان: ۲۹)

روش و شیوه تربیت اخلاقی در فرزندنامه‌سرایی از دیدگاه نادینگز

تمرین و عمل! عامل ضروری در تربیت اخلاقی عمل است. نادینگز معتقد است اگر بخواهیم افراد را به یک زندگی اخلاقی نزدیک کنیم، لازم است فرصتهایی را برای کسب مهارت غمخواری فراهم کنیم (نادینگز، ۱۹۹۲: ۲۳). یکی از اصول مهم در شیوه تربیت مطلوب، «عملگرایی» است؛ زیرا عمل الگوی رفتاری مناسب را در اختیار مرتبی قرار میدهد. امیرخسرو در مثنوی *قرآن* سعدین به فرزند خود (بدون ذکر نام) اندرز میدهد. وی به فرزندش سفارش میکند که به جوانی و ثروت تفاخر نکند. در مقابل گناه زبردستان خود خشمگین نباشد. عفو و بخشش، برتر از تنبیه و مجازات است. دشمنان خود را ضعیف تصور نکند. رعایت حال مردم، عدالت و دادگری را سرلوحه برنامه خود قرار دهد و....

کای پسر از ملک و جوانی مناز	ناز بدو کن که شد او بی‌نیاز
خشم به هر جرم میاور به کس	ز آتش سوزنده نگه دار خس
چون به گنه معترف آید کسی	عفو نکوتر ز سیاست بسی
وانکه برآرد به خلافت سری	سر بزنش پیش که گیرد بری
خُرد مبین دشمن بدزهره را	آب ده از زهره او دهره را
خاص کن آن را که خرد هست پیش	راه مده بیخبران را به خویش
گرچه دلت هست فراست‌شناس	گفت کسان نیز همی دار پاس
باشد اگر سوی مهمیت روی	رخصت تدبیرشناسان بجوی
گر شودت خصم به تدبیر رام	تبغ نشاید که کشی از نیام
چشم رعایت ز رعیت مگیر	تا بودت ملک عمارت‌پذیر
عدل بود مایه امن و امان	بیش کن این مایه زمان تا زمان
دادگری کن که ز تأثیر داد	بس در دولت که توانی گشاد
تا به زمانی که تو بادا بسی	نشود آواز تظلم کسی
دولت دنیا که مسلمتر است	جانب دین کوش که آن هم تر است
دولت جاوید نبرده‌ست کس	نام نکو دولت جاوید بس
پیشه نکویی کن و از بد بترس	از بد کس نی، ز بد خود بترس
ترس خداوند جهان کن به دل	تا ز خداوند نمایی خجل
کار چنان کن که به هنگام کار	از در یزدان نشوی شرمسار

(خمسۀ امیرخسرو دهلوی: ۱۷۱)

یکی از مثنویهای امیرخسرو که به تقلید از هفت پیکر نظامی سروده منظومه هشت بهشت است. او در منظومه هشت بهشت، در هفتادوشش بیت، زبان به نصیحت دختر خود «عقیقه» می‌گشاید و او را به پاکی و تقوا، خداپرستی و پارسایی دعوت میکند:

ای ز عفت فکنده برقع نور	هم عفیفه به نام و هم مستور...
از عروسی شوی چو درخور تخت	عصمت خواهم اول آنکه بخت
از منت آنچه اولین پند است	جهد بر طاعت خداوند است
تا توانی خداپرستی کن	از نیاز خدای مستی کن
بایدت همچو دیده عزت و تاب	باش چون چشم خویش در محراب
نیکنامی طلب کنی در پوست	پارسا باش و پارسایی دوست...
پاکتن باش همچو آب سپهر	بلکه پاکیزه‌تر ز چشمه مهر...

(هشت بهشت امیرخسرو: ۳۶)

جامی در لیلی و مجنون، در سی‌ودو بیت فرزند خود را اندرز می‌دهد. او به پسرش انذار می‌دهد که اسیر و زنجیری مال دنیا و سیم و زر نباشد:

زنجیری سیم و زر نگردي	ساکن نشوی ز رهنوردی
-----------------------	---------------------

(لیلی و مجنون جامی: ۶۰)

سرمشق بودن: از دید نادینگز، سرمشق بودن و الگودهی، در روابط غمخواری عاملی حیاتی است؛ زیرا اولاً هدف اصلی نشان دادن نحوه ارتباط با فرد مورد غمخواری است؛ ثانیاً ظرفیت غمخواری بستگی به تجارب مناسب فرد مورد غمخواری دارد (نادینگز، ۲۰۰۵: ۲۲). سلمان ساوجی (قرن هشتم هجری) تربیت سلطان اویس ایلخانی را به درخواست دلشاد خاتون بر عهده داشت و پس از به سلطنت رسیدن او، از خاصان دربارش بود. سلطان اویس در حکم پسرخوانده سلمان بود. سلمان ساوجی در نودوسه بیت، در مثنوی عاشقانه *فرقانیه* زبان به اندرز وی می‌گشاید. «فرقانیه، برای خاطر سلطان اویس ساخته شده است» (سلمان ساوجی، ۱۳۶۷: ۲۳ مقدمه). سلمان به «اویس» توصیه می‌کند که سرمایه عمر و جوانی را غنیمت دارد. قناعت پیشه سازد، بگونه‌ای زندگی کند که نام نیک بر جای ماند. غم زر را نخورد. دل به این زندگی نبندد و از «آز» پرهیز کند.

جوانی و فرزانه و هوشیار	اوان جوانی غنیمت شمار...
اگر در قناعت گریزد کسی	نباید شدش بر هر خسی...
چنان زی که نام تو روز حساب	نویسند با راستان در کتاب
کسی کو به غم حاصل آرد زری	غم زر خورد او و زر دیگری
تو نعمت کجا گرد می‌آوری	کجا میبری چون تو غم میخوری؟
برین زندگی هیچ بنیاد نیست	جز از پاره‌ای خاک بر باد نیست...
کسی کو در آز بندد فرو	گشایند درهای جنت برو
دلت مست آز است، هشیار باش	به خواب غرور است، بیدار باش...

(دیوان سلمان ساوجی: ۵۷)

چراکه مرگ در پی است و باید از خواب غفلت بیدار شود و مراقب حیات باشد:

دلا برگ این راه، نیکو بساز	که راهی است باریک و دور و دراز
شب زندگانی به آخر کشید	شبت روز شد، وقت رفتن رسید
یکایک برفتند یاران تو	رفیقان و اندوه‌گساران تو

رسیدند هر یک به مأوای خویش
در این منزل آخر چرا خفته‌ای؟
بسی کاروان شد درین ره روان
که زان رفتگان بازگوید خبر
بسا کاروانا کزین پل گذشت
تو مسکین گرانباری و راه پیش
رباطی است ویران کجا خفته‌ای؟
نیامد کسی باز از این کاروان
که چون است احوالشان در سفر
مگر نیست ز آن سو ره بازگشت
(همان: ۵۷)

سلمان ساوجی به فرزندش هشدار میدهد که همه میمیریم:

که چون بگذرد نیز این هفته عمر
برو سینه خاک را باز کن
در او نازکان گل‌اندام بین
بر آنی که ایشان ازین خاکدان
همه در پی یکدگر میرویم
ز خواب اندر آیی، بود رفته عمر
بین در دلش رازهای کهن
همه خشت بالین و بستر زمین
برفتند و تو زنده‌ای جاودان؟
نماند کسی، سر به سر میرویم
(همان: ۵۷)

جامی در منظومه غنایی تمثیلی-عرفانی *سلامان و ابدال* (دومین اورنگ از هفت اورنگ) ابیاتی در ستایش فرزندآوری میسرآید:

هیچ نعمت بهتر از فرزند نیست
حاصل از فرزند گردد کام مرد
چشم تو تا زنده‌ای روشن به اوست
دستت او گیرد اگر افتی ز پای
پشت تو از پشتیش گردد قوی
اوست بران در صف هیجا چو تیغ
جز به جان فرزند را پیوند نیست
زنده از فرزند ماند نام مرد
خاک تو چون مرده‌ای گلشن به اوست
پایت او باشد اگر مانی به جای
عمرت از دیدار او یابد نوی
تیرباران بر سر اعدا چو میغ
(سلامان و ابدال جامی: ۳۲۶)

تأیید! نادینگز معتقد است وقتی ما بواسطه دیگران مورد تأیید قرار میگیریم، سعی میکنیم با آنها هم‌رنگ شویم و بدنبال این هستیم که خود بهتری را برای خودمان در نظر بگیریم (نادینگز، ۱۹۹۲: ۲۵). وجه تمایز این رویکرد اخلاقی با دیگر رویکردها در مؤلفه‌های تأیید بیشتر نمایان میشود. تأیید بر اعتماد، شناخت معقول و استمرار مبتنی است. لازمه تأیید واقعی این است که نسبت به افراد شناخت کاملی داشته باشیم؛ بطوری که فرد مورد غمخواری بتواند نیازهای درونی را بگونه‌ای که با واقعیت سازگار باشد، بیان کند. چنین تأییدی سبب ایجاد دلگرمی در فرد مورد غمخواری میگردد. اگر بخواهیم که تأیید مبتنی بر واقعیت باشد لازم است که افراد با یکدیگر ارتباط مستمر و مداوم داشته باشند (غفاری، ۱۳۸۱: ۱۴۱). خواجه مسعود قمی (متوفی ۸۹۰ ه.ق) مثنوی یوسف و زلیخای خود را با پندنامه‌ای به فرزند پنج‌ساله‌اش، غیاث‌الدین محمد، خاتمه میدهد. او از پسرش میخواهد که با مردم نادرست همنشین نباشد:

با مردم نادرست همنشین
جایی که نه جای تُست همنشین
(یوسف و زلیخای خواجه مسعود قمی: ۲۱۶)

او از فرزند خود می‌خواهد هرگز گرد باده نگردد:

زنهار که هرگز ار توانی	در پیری خود چه در جوانی
لب تر نکنی به باده ناب	کاین باده به باد بردهد آب

(همان: ۲۱۶)

دانا و باخبر باشد و نادان ننشیند:

نادان منشین که شد زمانه	نادانی من مکن بهانه
-------------------------	---------------------

(همان: ۲۱۷)

دیالوگ (گفتگو): نیاز اساسی در روابط غمخواری، گفتگو است. در گفتگو است که دیگران را می‌شناسیم و نیازها بیان می‌شود. بدون گفتگو، کسانی که میل به غمخواری کردن دارند و کسانی که به مورد غمخواری قرار گرفتن مایل هستند، باید بر پایه استنباط و حدس غمخواری کنند (نادینگز، ۲۰۰۲: ۲۲). تشخیص غمخواری در تعاملات بشر مهم است. در گفتگو، از نیازها، انگیزشها و علایق دیگران آگاه می‌شویم (نادینگز، ۲۰۰۷: ۱۱). جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی (شاعر سده ششم هجری) در اشعار خود ضمن پند و اندرز به فرزندش کمال‌الدین محمود (شاعر قرن هفتم هجری)، انصاف و عدالت را ستوده است و حسن او را فاضل و اصیل بودن وصف کرده است:

دوستی دی سخنی خوش میگفت	دوستی کو به سخن استادست
که کمال‌الدین محمود الحق	پسری سخت کریم و رادست
در وی انصاف بسی معنی‌هاست	که خدا در دگران نهاده‌ست
چیست آخر سبب حرمانش	که از این قوم به دستش بادست؟
در وی و سیرت او عیبی نیست	یا بر او خود ز فلک بیدادست
گفتم ای خواجه خبر نیست ترا	کاین خلل خود ز کجا افتادست
اندر آن شخص دو عیبست بزرگ	هنری دارد و مردم‌زادست

(دیوان جمال‌الدین اصفهانی: ۳۸۶)

بررسی انواع دلمشغولی^۱ از دیدگاه نادینگز در فرزندنامه‌سرایی

دلمشغولی برای افراد غریبه: بحث دلمشغولی برای اشخاص غریبه^۲ و دور، به موضوع غمخواری در جهان گسترده و غریبه‌ها می‌پردازد؛ البته این غمخواری با مشکلات بیشتری صورت می‌گیرد؛ زیرا ما با کسانی که دور هستند کمتر می‌توانیم روابط متقابل برقرار کنیم؛ بنابراین قادر به ارائه همدلی متقابل نیستیم؛ پس در برابر کسانی که امید به پاسخ متقابل آنها نیست، الزام وظیفه کمتری داریم. هرچند نادینگز غمخواری برای افراد غریبه را برای عبور از القائنات قومی و پیوستن به حقوق جهانی حائز اهمیت میداند (نادینگز، ۱۹۹۲: ۱۱۰). نزاری قهستانی (شاعر قرن هفتم هجری) کتاب «دستورنامه» را در ۵۷۶ بیت، در چگونگی آداب معاشرت برای فرزندان سروده است.

کسی نیک بیند به هر دو سرای	که نیکی رساند به خلق خدای
----------------------------	---------------------------

(دیوان نزاری قهستانی: ۲۶۱)

1. Care

2. Caring for Strangers and Distant Others

نزاری در حالت مستی، سخاوت و بخشش را نهی میکند. در نظر او سخاوت در حالت مستی کاری نادرست است، پس به بخشش در حد اعتدال و توان و در حالت هوشیاری توصیه میکند:

به مستی سخاوت بود ناپسند اگر عاقلی بشنو این طرفه پند
چو هشیار گشتی ببخش و بده نگه دار سر بر سر هم منه
چو دستت دهد پایمردی نکوست کرم کن کرم کار پاکیزه‌خوست
(همان: ۲۸۱)

او بخشش را مورد پسند عقل میدانند و آسایش و افزایش ثروت را از آثار بخشش معرفی میکند:

پسندیده عقل بخشودن است که بخشوده در بخشش افزودن است
مقامات بخشایش آسایش است که بخشش هم از فیض بخشایش است
(همان: ۳۱۴)

دلمشغولی عاطفی: غمخواری^۱ حالتی از رنج روانشناسانه یا مجذوبیت^۲ است. غمخواری قرار گرفتن در حالت روانی تحمیلی، حالتی از اضطراب، ترس یا نگرانی درباره چیزی یا کسی است. بعنوان مثال غمخواری شخص برای چیزی یا کسی بدین معناست که آن شخص به ماهیت آن چیز یا آن فرد احترام میگذارد و غمخواری میتواند به معنای مطالبه حمایت، آسایش یا حفظ چیزی یا کسی باشد (نادینگز، ۱۹۸۴: ۱). تکیه اصلی غمخواری بر ارتباط است (غفاری، ۱۳۸۱: ۱۷۹). در واقع غمخواری مفاهیمی چون نگرانی، همدردی، همدلی، نوع‌دوستی، دلسوزی، شفقت، خیرخواهی، نیکی و مهربانی را شامل میشود. جمال‌الدین اصفهانی به فرزندش میگوید:

بد نخواهی که باشدت هرگز بد مکن خاصه با اولوالارحام
(دیوان جمال‌الدین اصفهانی: ۴۲۰)

از دید نادینگز پایه و اساس تربیت اخلاقی، غمخواری است (نادینگز، ۲۰۰۲: ۱۱). غمخواری کردن عبارت از قرار داشتن در حالت ذهنی مسئولانه، اضطراب یا ترس درباره چیزی یا کسی است (غفاری، ۱۳۸۵: ۵۰) که نادینگز آن را حالتی از رنج ذهنی میداند (نادینگز، ۱۹۸۴: ۹). ارتباط غمخواری مؤثر تنها در تعامل با یک شخص زنده دیگر معنا پیدا میکند (نادینگز، ۱۹۸۸: ۱۸۸). جامی (شاعر قرن نهم هجری) در انتهای داستان یوسف و زلیخا در نودونه بیت فرزند خود (ضیاءالدین یوسف) را اندرز میدهد. این منظومه با پندنامه وی به پایان میرسد. جامی به فرزند خود انداز میدهد که از خوشپوشی و خوشخواری پرهیز کند:

به خوشپوشی و خوشخواری مکن خوی بتاب از راحت پشت و شکم روی
غرض از جامه دفع حر و برد است ندارد میل زینت هر که مرد است
(یوسف و زلیخای جامی: ۷۳)

و اینکه به دوستان قرض ندهد، فقط ببخشد و در بخشش میانه‌رو باشد.

به احسان بر احبا دست بگشای منه در تنگنای مدخلی پای
مده‌شان قرض و مستان نیم حبه فان القرض مقراض المحبه
به بخشش باش از ایشان باربردار مساز از وامداریشان گرانبار

¹. Care

². engrossment

چنان زن لیک در بخششگری گام که بر گردن نیاید بارت از وام
(همان: ۷۴)

و راز دل بر کسی مگشاید:

به راز دل چو بگشایی لب خویش نخست از خیر و شر آن بیندیش
چو آید از قفس مرغی به پرواز دگر مشکل بود آوردنش باز
(همان: ۷۶)

جامی به پسرش اندرز میدهد اگر خواست زن بگیرد، زنی عفیف بگیرد:

زنی کش سرخرویی از عفاف است همین گلگونه رویش کفاف است
در آن حله جمال حور دارد که از نامحرمش مستور دارد
(همان: ۷۷)

و از منصب دوری گزیند:

ز منصب روی در بی‌منصبی نه که از هر منصبی بی‌منصبی به
(همان: ۷۷)

از نخوت اندیشه را پاک کند:

ز نخوت پاک کن اندیشه خویش تواضع کن به هر کس پیشه خویش
(همان: ۷۸)

از وعده دروغین پرهیز کند:

مکن وعده و گر کردی وفا کن طریق بیوفایی را رها کن
از آن حضرت که فیاض وجود است خطاب جمله «اوفوا بالعقود» است
(همان: ۷۸)

در دلمشغولی عاطفی، شخص دچار رنج درونی میشود و در حالتی از رنج و اضطراب قرار میگیرد. در حقیقت، این حالت او را بیدار میسازد که از خود فراتر برود. بر اثر همین بیداری و حالات است که نیازهای دیگران را نیازهای خود میداند و در جهت ارضای آنها بگونه‌ای تلاش میکند که دیگری را خود فرض میکند؛ بنابراین اساس این رویکرد میل عاطفی به دیگران است. نظامی گنجوی در *لیلی و مجنون* به فرزند خود «محمد» در سی‌وشش بیت پند میدهد. وی به پسر خود انذار میدهد که طبیب درد و رنج مردم باشد.

میباش طبیب عیسوی‌هش اما نه طبیب آدمی‌کش
(لیلی و مجنون نظامی: ۴۲)

جامی به فرزندش اندرز میدهد که در جهان فقط یک شغل برای خود برگزیند (این امر دال بر دیگرخواهی است):
فراوان شغلها را اندکی کن ز عالم روی شغل اندر یکی کن
(یوسف و زلیخای جامی: ۷۴)

از دید نادینگز، رفتار اخلاقی شامل «پاسخ عاطفی انسان و غمخواری اخلاقی است؛ یعنی ارتباطی که از لحاظ اخلاقی با دیگران وسیله غمخواری تبیین میشود» (موحد و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۲). جامی کتاب *بهارستان* را برای فرزندش، ضیاءالدین یوسف، نوشت:

اگر به دست کریم جهان افتد یکسر جهان چه باشد؟ صد بار از جهان هم بیش
چرا شود دل درویش ریش از آن حسرت چو هست کیسه جودش خزینه درویش؟
(بهارستان جامی: ۴۲)

اگر جهان به دست شخص بخشنده بیفتد، حتی اگر این جهان صد تا شود و همه مال و مکت هم برای او باشد، چرا باید شخص فقیر ناراحت شود؟ چون بزودی خواهد دانست که کیسه‌ای پر از پول نصیب او خواهد شد و از کرم او بی‌نصیب نخواهد ماند.

دل‌مشغولی و دیگرخواهی: یکی از مبانی عاطفه فلسفی دیدگاه نادینگز «عاطفه‌گرایی» است. در عاطفه‌گرایی، رفتار اخلاقی مبتنی بر حس همدردی و واسطه دلی است؛ یعنی نیرویی که بواسطه آن، انسان در لذت و درد دیگران شریک میشود (غفاری، ۱۳۸۱: ۱۱۴). اخلاق عاطفه‌گرا معتقد است که ارزش اخلاقی رفتار، ناشی از این است که بدنبال خیر دیگران باشیم. ملاک اخلاق در این مکتب، عاطفه و انگیزه «دیگرخواهی» است (مصباح، ۱۳۸۴: ۱۸۰). در عهدنامه‌ای که انوشیروان یک سال قبل از مرگ خود نوشته، نصایحی پدرا نه به شاهزاده جوان، هرمز، بیان شده است. نخست یادآوری بیوفایی جهان است و بدنبال آن شرط دادگری و نیکی به جای آوردن بیان میشود.

گر ایمن کنی مردمان را به داد خود ایمن بخسپی و از داد، شاد
به پاداش نیکی بیابی بهشت خنک آن که جز تخم نیکی نکشت
(شاهنامه فردوسی: ۲۲۴۱)

در اثر اسدی طوسی (سده پنجم هجری قمری)، *گرشاسب‌نامه*، که مضمون اصلی آن، ارزش سخن، پند و اندرز و اهمیت دینداری است، دیگرخواهی نیز دیده میشود:

نشین راست با هر کس و راست خیز مگر رسته گردی گه رستخیز
(گرشاسب‌نامه: ۶۸)

نخستین اندرزنامه داستان گرشاسب، پند و اندرز پدرش اثرط (اترد) است. هنگامی که ضحاک بجای جمشید سلطنت میکند، گرشاسب را به دربار خود میخواند تا او را به سرکوب شورش هند روانه کند و اثرط پسر خود را پیش از رفتن به دربار ضحاک پند میدهد. نصایح او در اینجا بیشتر مربوط به نحوه رفتار رجال و امیران لشکر و لشکریان در دربار است. اثرط، گرشاسب را پند میدهد که فرمانبردار و در عین حال زیرک باشد. فروتنی کند و بی‌رویه سخن نگوید و از یاد نبرد که هرگز از دم پادشاهان ایمن نتوان بود، پس در قبال شاه قدرشناس و کم‌توقع باید بود؛ با زبانی ستاینده و دلی که هواخواه دوستان او باشد.

پس از من همه راه داد آورید به نیکیم گهگاه یاد آورید...
به درد کسان دل مدارید شاد که گردون همیشه نگردد به داد
(گرشاسب‌نامه: ۶۸)

نتیجه‌گیری

بر اساس مباحث مطرح‌شده در مقاله، شاعران منظومه‌های غنایی در بطن فرزندنامه‌ها به فرزندان خود توصیه میکنند که نسبت به تمام مردم مشفق باشند و مهربانی را برای همه مردم بخواهند و غمخوار ناتوانان و بیچارگان باشند. برخی از اهم نتایج موردی مقاله حاضر به شرح زیر است:

اخلاق غمخواری نادینگز و فرزندنامه‌ها بر عاطفه تأکید میکنند. اخلاق با حسی از وظیفه‌شناسی برانگیخته میشود، این حس وظیفه‌شناسی همان اخلاق غمخواری است. مبنای اصلی تربیت اخلاق غمخواری نادینگز و فرزندنامه‌ها، به معنای رفتار با مسئولیت، پذیرندگی و پاسخگویی است.

اخلاق مبتنی بر اصالت عاطفه مورد تأیید متن فرزندنامه‌ها و آرای نادینگز است. اخلاق غمخواری در فرزندنامه‌ها جهان‌شمول است و تمام انسانها را در بر میگیرد. فرزندنامه‌ها و نظریه نادینگز در مورد حفظ و برقراری ارتباط میان افراد سخن میگویند. ارتباط به زندگی انسان معنا میدهد. از دید مکتب عاطفی نادینگز و متن فرزندنامه‌ها، حس همدردی و عاطفه‌گرایی موجب می‌گردد در غم و شادی دیگران شریک شویم. از دیدگاه نادینگز و متن فرزندنامه‌ها، اخلاق غمخواری سبب می‌گردد با دیگران، اخلاقی برخورد کنیم.

تشکر و قدردانی

نویسنده بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسنده است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Akhavayni Bokharaei, Abu Bakr. (1965). Hedaya al-mota'allemin fel Teb, by Jalal Matini, Mashhad: University of Mashhad.
- Asadi Tousi, Abu Nasr Ali ibn Ahmad. (1975). Gershasabnameh. Corrected by Habib Yaghmaei. second edition. Tehran: Tahori.
- Basiri, Mohammad Sadiq & Amjadi, Golnaz. (2011). "Educational methods in Persian literary texts". *Journal of educational literature research*. No. 15. pp. 67-96.
- Dehlavi, Amir Khosrow. (1964). Majnoon and Laili, edited by Taher Ahmadawghli Muharram Oof, Moscow: Danesh.
- Dehlavi, Amir Khosrow. (1972). Hasht Behesht, edited and introduced by J'afar Eftekhari, Moscow: Danesh.
- Dehlavi, Amir Khosrow. (1983). Khamse, corrected by Amir Ahmad Ashrafi, Tehran: Shaghayegh.

- Dehlavi, Amir Khusrow. (1917). Dolrani & Khizr Khan, edited by Rashid Ahmad Ansari, with an introduction in Urdu, Delhi.
- Eslami Nadushan, Mohammad Ali. (2014). Name to Children, Tehran: Yazdan.
- Etemadzadeh, Mahmoud. (2003). letters to Azin to his son, Tehran: Dadar research.
- Ferdowsi, Abulqasem. (2007). Shahnameh, edited by Jalal Khaleghi Motlaq, Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopaedia
- Ghaffari, Abulfazl. (2006). "Sentimentalism in Ethics, Historical Background to Postmodern Status". *Islamic Studies Quarterly*, No. 71. Spring. pp. 147-190.
- Ghaffari, Abulfazl. (2012). "Examining and criticizing the approaches of virtue and sadness in moral education". Doctoral dissertation of Tarbiat Modares University.
- Ghazali, Imam Muhammad. (1985). Ayo-alvalad, translated by Baqer Ghobari, Tehran: Jahad Daneshgahi.
- Hassan, Th. (2008). "An ethic of care critique", *Women's Studies Program*, pp.159-162.
- Iraj Mirza. (1974). Divan of Poems, edited by Mohammad Ja'afar Mahjoub, Tehran: Zavvar.
- Jalili Jashanabadi, Saba. (2019). "Vasaya-ye- Vafa. An unknown birth certificate belonging to the Qajar period". *Research Journal of Poetry and Prose Edition*, 4 (11), Spring and Summer. pp. 1-28.
- Jamal al-Din Isfahani, Muhammad ibn Abdul Razzaq. (1983). Divan Jamal al-Din Abd al-Razzaq, Tehran: Sanaei.
- Jami, Abdul Rahman. (1994). Salaman and Absal, edited by Mohammad Roshan, Tehran: Asatir.
- Jami, Abdurrahman. (1999). Baharestan. Edited by Esmail Hakemi, Tehran: Ettela'at.
- Jami, Abdurrahman. (2005). Haft Aurang's Masanvi, corrected by Morteza Modarres Gilani, Tehran: Ahura.
- Jami, Abdurrahman. (2013). Yusuf and Zoleykha, by the efforts of Nader Vazinpour, Tehran: Amirkabir.
- Khwaje Masoud Qomi. (1990). Yusuf and Zoleykha and Shams and Qamar, by Seyyed Ali Al Davood, Tehran: Afarinesh.
- Maidani, Marzieh & Bakshayesh, Alireza. (2012). "Comparative study of the manifestations of humanism in Golestan Sa'adi with the approach of humanistic psychology". *Exploration of Persian language and literature*, number 24. Spring and summer. pp. 189-220.
- Meybodi, Mirhossein. (2012). Tow resaleh, by the efforts of Mohammad Hossein Rafi, Yazd: Seyed Alizadeh Publications.
- Movahhed, Samad, Bagheri, Khosrow and Salahshuri, Ahmad. (2007). "A comparative study of Imam Mohammad Ghazali's and Nell Nadings' views on moral education". *Journal of religious thought*. Number 27. Summer. pp. 39-60.

- Natel Khanlari, Parviz. (2013). "Khanlari's letters to his son Arman", *Bukhara Magazine*, No. 94, *special issue of Khanleri*, September. pp. 332-335.
- Nazari Qahestani, Saaduddin. (1992). The critical text of Hakim Nazari Qahestani's Divan, by the efforts of Mazaher Mosaffa. Volume 1, Tehran: Elmi.
- Nezami Ganjavi, Elyas ibn yusef. (2005). Koliat Khamse, Tehran: Amirkabir.
- Noddings, Nel. (1984). Caring: A Feminine Approach to Ethics and Moral Education, Berkeley: University of California Press, p.28.
- Noddings, Nel. (1992). The Challenge to Care in Schools, New York: Teachers College Press.
- Noddings, Nel. (2002). Starting at Home: Caring and Social Policy, Berkeley and Los Angeles, California: University of California Press.
- Noddings, Nel. (2005). The Challenge to Care in Schools: An Alternative Approach to Education, Columbia University: Teachers College Press, p. 27.
- Noddings, Nel. (2007). Teaching Themes of care. The Center for The Advancement of Ethics and Character. The School of Education, Boston University and The ASCD Chapter Education Network.
- Nuddings, Nell. (2014). Perspectives of philosophy of education. Translation by Ramezan Barkhordari, Tehran: Nokhostin.
- Onsor al-Ma'ali, Keykavoos. (1941). Selected Qaboosnameh, by the efforts of Saeed Nafisi, Tehran: Sepehr.
- Qaim-maqam Farahani, Mirza Abul-Qasem. (1958). Qaim-maqami's facilities, by Jahangir Qaim-maqami, Tehran: Ibn Sina.
- Savoji, Salman. (1988). Divan of Salman Savoji, by Taghi Tafzzoli, Tehran: Safi Alishah.
- Shamlou, Ahmad. (2014). Omid Aftabi Man, Tehran: Cheshme.
- Shariati, Ali. (1979). A letter to my son. Tehran: Shahadat.
- Talbof, Abdul Rahim Abu Taleb. (2014). Ahmad's book, Tehran: Scientific and Cultural.
- Zarinkoob, Abdul Hossein. (1983). With the holle caravan, Tehran: Elmi.

فهرست منابع فارسی

- اخوینی بخاری، ابوبکر (۱۳۴۴)، هدایه المتعلمین فی الطب، به کوشش جلال متینی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد (۱۳۵۴)، گرشاسب‌نامه. تصحیح حبیب یغمایی. چاپ دوم. تهران: طهوری.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۹۴)، نامه به فرزندان، تهران: یزدان.
- اعتمادزاده، محمود (۱۳۸۲)، نامه‌های به‌آذین به پسرش، تهران: پژوهش دادار.
- ایرج میرزا (۱۳۵۳)، دیوان اشعار، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران: زوآر.

- بصیری، محمدصادق و امجدی، گلناز (۱۳۹۱)، «روشهای تعلیم و تربیت در متون ادب فارسی». مجله پژوهشهای ادب تعلیمی. شماره ۱۵. صص ۶۷-۹۶.
- جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۳)، سلمان و ابسال، به تصحیح محمد روشن، تهران: اساطیر.
- جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۸)، بهارستان. تصحیح اسماعیل حاکمی، تهران: اطلاعات.
- جامی، عبدالرحمن (۱۳۸۵)، مثنوی هفت اورنگ، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی، تهران: اهورا.
- جامی، عبدالرحمن (۱۳۹۳)، یوسف و زلیخا، به کوشش نادر وزین‌پور، تهران: امیرکبیر.
- جلیلی جشن‌آبادی، صبا (۱۳۹۸)، «وصایای وفا». فرزندنامه‌ای ناشناخته متعلق به دوره قاجار». پژوهشنامه نسخه‌شناسی نظم و نثر، (۱۱) ۴، صص ۱-۲۸.
- جمال‌الدین اصفهانی، محمدبن عبدالرزاق (۱۳۶۲)، دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق، تهران: سنائی.
- خواجه مسعود قمی (۱۳۶۹)، یوسف و زلیخا و شمس و قمر، به کوشش سیدعلی آل داوود، تهران: آفرینش.
- دهلوی، امیر خسرو (۱۳۶۲)، خمسه، تصحیح امیر احمد اشرفی، تهران: شقایق.
- دهلوی، امیر خسرو (۱۹۱۷)، دولرانی و خضرخان، تصحیح رشید احمد انصاری، با مقدمه‌ای به زبان اردو، دهلی.
- دهلوی، امیر خسرو (۱۹۶۴)، مجنون و لیلی، تصحیح طاهر احمد اوغلی محرم اوف، مسکو: دانش.
- دهلوی، امیر خسرو (۱۹۷۲)، هشت بهشت، با تصحیح و مقدمه جعفر افتخار، مسکو: دانش.
- زرینکوب، عبدالحسین (۱۳۶۲)، با کاروان حله. تهران: علمی.
- ساجی، سلمان (۱۳۶۷)، دیوان سلمان ساوجی، به کوشش تقی تفضلی، تهران: صفی‌علیشاه.
- شاملو، احمد (۱۳۹۴)، امید آفتابی من، تهران: چشمه.
- شریعتی، علی (۱۳۵۸)، نامه‌ای به پسر. تهران: شهادت.
- طالبوف، عبدالرحیم ابوطالب (۱۳۹۴)، کتاب احمد، تهران: علمی و فرهنگی.
- عنصرالمعالی، کیکاووس (۱۳۲۰)، منتخب قابوسنامه، به کوشش سعید نفیسی، تهران: سپهر.
- غزالی، امام محمد (۱۳۶۴)، ایها الولد، ترجمه باقر غباری، تهران: جهاد دانشگاهی.
- غفاری، ابوالفضل (۱۳۸۱)، «بررسی و نقد رویکردهای فضیلت و غمخواری در تربیت اخلاقی». رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- غفاری، ابوالفضل (۱۳۸۵)، «عاطفه‌گرایی در اخلاق، پیشینه تاریخی تا وضعیت پست‌مدرن». فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۷۱. بهار. صص ۱۴۷-۱۹۰.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- قائم‌مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۳۷)، منشآت قائم‌مقام، به اهتمام جهانگیر قائم‌مقامی، تهران: ابن‌سینا.
- موحد، صمد، باقری، خسرو و سلحشوری، احمد (۱۳۸۷)، «بررسی تطبیقی دیدگاه‌های امام محمدغزالی و نل نادینگز درباره تربیت اخلاقی». نشریه اندیشه دینی. شماره ۲۷. تابستان. صص ۳۹-۶۰.
- میبدی، میرحسین (۱۳۹۲)، دو رساله، به کوشش محمدحسین رافی، یزد: انتشارات سید علیزاده.
- میدانی، مرضیه و بخشایش، علیرضا (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی نمادهای انسانگرایی در گلستان سعدی با رویکرد روانشناسی انسانگرا». کاوشنامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۴. بهار و تابستان. صص ۱۸۹-۲۲۰.
- ناطل خانلری، پرویز (۱۳۹۲)، «نامه‌های خانلری به پسرش آرمان»، مجله بخارا، شماره ۹۴، ویژه‌نامه خانلری، شهریورماه. صص ۳۳۲-۳۳۵.

نادینگز، نل (۱۳۹۴)، چشم‌اندازهای فلسفه تعلیم و تربیت. ترجمه رمضان برخوردار. تهران: نخستین. نزاری قهستانی، سعدالدین (۱۳۷۱)، متن انتقادی دیوان حکیم نزاری قهستانی، به اهتمام مظاهر مصفا، جلد یک، تهران: علمی.

نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۴)، کلیات خمسه، تهران: امیرکبیر.

Hassan, Th. (2008). "An ethic of care critique", *Women's Studies Program*, pp.159-162

Noddings, Nel. (1984). *Caring: A Feminine Approach to Ethics and Moral Education*, Berkeley: University of California Press, p.28.

Noddings, Nel. (1992). *The Challenge to Care in Schools*, NewYork: Teachers College Press.

Noddings, Nel. (2002). *Starting at Home: Caring and Social Policy*, Berkeley and Los Angeles, California: University of California Press.

Noddings, Nel. (2005). *The Challenge to Care in Schools: An Alternative Approach to Education*, Columbia University: Teachers College Press, p. 27.

Noddings, Nel, (2007). *Teaching Themes of care*. The Center for The Advancement of Ethics and Character. The School of Education, Boston University and The ASCD Chapter Education Network.

معرفی نویسنده

آسیه ذبیح‌نیا عمران: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: zabihnia@pnu.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the author

Asiye Zabihnia Omran: Associate Professor of the Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: zabihnia@pnu.ac.ir)